

اجرای طرح‌های «سوادآموزی خلاق» و «کوله مهر» از تهران تا محروم‌ترین مناطق کشور

# زنگ مهر زودتر به صدا درآمده...

سهیلا نوری

حرف‌شان این است: «دور هم جمع شده ایم تا واژه عشق را تعبیر کنیم،» آدم‌هایی که عشق را در ردیای لبخند بر لبان کودکانی می‌جویند که جبر زمانه روای‌های شان را به داشتن حداقل‌ها گره زده است! روای داشتن یک کیف؛ یک جعبه مداد رنگی و... اعضای «بنیاد همدلان» داوطلبانه دور هم جمع شده‌اند تا گرمابخش وجود کودکان باشند که به هر دلیلی- در عطف دست‌هایی مهربان و حمایتگرند. نونهالان و نوجوانانی که مهر خویان، آبی است بر آتش دردی که تا مغز استخوان خود چشیده اند؛ «کودکان کار»ی که تقلا کردن در خیابان‌ها و دغدغه در آوردن لقمه ای نان، نشستن پشت نیمکت‌های مدرسه را از آنها دریغ داشته اما بیشتر از هم سن و سالان خود، تشنه یادگیری الفبا، نوشتن نام کوچک‌شان و خواندن قصه‌هایی هستند که نوید زندگی بدهند. داوطلبان بنیاد همدلان که حمایت و پشتیبانی از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست، بدسرپرست و بی‌بضاعت، بی‌بیمار، یا در معرض آسیب‌های اجتماعی را با هدف ایجاد شرایط درمان فراهم کردن امکان تحصیل و آموزش و در مسیر توانمندسازی و بهبود شرایط زندگی حال و آینده آنان دنبال می‌کنند، این بار زنگ مهر را زودتر از مهر ماه به صدا در آورده‌اند تا با اجرای طرح‌های «سوادآموزی خلاق» و «کوله مهر» در دورترین و مرزی‌ترین نقاط کشور، باریگر کودکان محروم باشند.

**علی اکبر برومیده** مسئول آموزش و تحصیل و عضو هیات مدیره بنیاد همدلان در گفت‌وگو با خبرنگار گروه زندگی با اشاره به اینکه امسال «کودکان کار و خیابان» ۶ منطقه در سطح شهر تهران و نزدیک به ۲ هزار کودک و

« در صورتی که اعضای «بنیاد همدلان» احساس کنند کارمندان کوچک کار و خیابان، طولانی بودن مسیر کلاس‌های آموزشی را عاملی برای شرکت نکردن در این کلاس‌ها عنوان می‌کنند، کلاس‌های مربوطه را در نزدیکترین مکان ممکن در محل کار این کودکان و نوجوانان برگزار می‌کنند

نوجوان کمتر از ۱۸ سال، متفاوت از سال- های گذشته به مهر ماه سلام می‌کنند، یادآور شد: بر اساس طرح «سوادآموزی خلاق»، کودکان و نوجوانانی که به دلیل کار در خیابان، از رفتن به مدرسه و سوادآموزی بازمانده‌اند، با تحصیل آشتی می‌کنند. این طرح در سه فاز دنبال می‌شود، به این صورت که جامعه هدف در فاز نخست با الفبا و اصول کلمه‌سازی و جمله خوانی آشنا می‌شوند، پس از آن در فاز دوم که «تحکیم» نام دارد کتابخوانی را می‌آموزند. در نهایت وارد فاز سوم یا همان «تثبیت» می‌شوند و به این ترتیب کودکان و نوجوانانی که سواد خواندن و نوشتن نداشتند به درس و مدرسه راغب می‌شوند. همچنین در صورتی که پایان این سه مرحله به ادامه تحصیل و حضور در مدرسه تمایل نشان دهند، به کمک اعضای «بنیاد همدلان» حمایت مالی می‌شوند و در صورتی که به دلیل مشغله‌های کاری زیاد، رغبت یا امکان حضور در کلاس درس را نداشته باشند با شرکت در فاز سوم طرح



سوادآموزی خلاق، علاقه‌مندی‌شان به آموختن بیدار می‌ماند. به گفته علی یادآور شد: پرورش انگیزه در میان این کودکان و نوجوانان کار مهمی است از این‌رو در صورتی که اعضای «بنیاد همدلان» احساس کنند کارمندان کوچک کار و خیابان، طولانی بودن مسیر کلاس‌های آموزشی را بهانه یا عاملی برای شرکت نکردن در این کلاس‌ها عنوان می‌کنند، کلاس‌های مربوطه را در نزدیکترین مکان ممکن به محل کار این کودکان و نوجوانان برگزار کرده به طوری که گاهی گوشه یک پارک و حتی محله‌ای آرام را برای آموختن به آنها انتخاب می‌کنند و خوشبختانه با این تصمیم تعداد بیشتری از این کارمندان کوچک با الفبای مفاهیم و فرمول‌های زندگی پیوند می‌خورند. وی با بیان اینکه طرح «سوادآموزی خلاق» در ابتدا از منطقه آجودانیه تهران آغاز شد، گفت: سال ۸۹ که آموزش به کودکان کار و خیابان منطقه آجودانیه تهران در دستور کار اعضا قرار گرفت دریافتیم که زندگی

این کودکان به کارشان وابسته است و در صورتی که آنها را از محل کارشان دور سازیم امکان ادامه همکاری‌شان با اعضای بنیاد همدلان برای حضور در طرح «سوادآموز خلاق» از بین می‌رود از این‌رو سعی کردیم کلاس‌های آموزشی در نزدیک‌ترین نقطه به محل کارشان برگزار کنیم که همین تصمیم بر انگیزه این کودکان افزود و به این ترتیب با گذشت زمان و با وجود استقبال خوب کودکان کار و خیابان شهر تهران، این طرح در مناطق آرتانتین، گمرک (میدان رازی)، شهرری و پاکدشت نیز به اجرا در آمد و خوشبختانه در نیمه نخست سال جاری منطقه دهکده المپیک هم به این مناطق اضافه شد تا به امید خدا در پایان فصل تابستان سال جاری، بیش از ۱۵۰ کودک و نوجوان بی‌سواد با دنیای الفبا و جذابیت‌های آن آشنا شوند.

«علاوه بر این همواره به فکر کودکان بازمانده از تحصیل بودیم تا آنهايي که به دلیل مشکلات مالی، نداشتن لوازم التحریر مناسب و امکانات اولیه تحصیل از رفتن به مدرسه محروم شده بودند، روزهایشان را با حسرت به شب نرسانند.» برومیده با بیان این جملات اضافه کرد: به لطف خداوند و با کمک نهاد آموزش و پرورش و مسئولان استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان‌شمالی، همدان، آذربایجان شرقی و غربی، فارس و... کودکان و نوجوانان کمتر از ۱۸ ساله که برای ادامه تحصیل نیازمند حمایت‌های مالی هستند شناسایی می‌شوند و در آستانه مهر ماه با دریافت «کوله مهر» خوشحال و آسوده‌خاطر آماده درس خواندن می‌شوند تا هر ساله به تعداد کودکان و نوجوانانی که آبادانی میهن مان به همت بلندشان وابسته است، افزوده شود.

یک انجمن کوچک حامیان طبیعت به امید نجات منابع طبیعی کارهای بزرگی می‌کند

## امیدواران دره «قره سو»

سمیه ابراهیمی



از منابع آبی زیرزمینی، مورد هجوم انسان‌ها قرار گرفته و متأسفانه از آن رودخانه پاک و خروشان سالیان گذشته، چیزی جز فاضلاب خانه‌ای- فصلی باقی نمانده است و می‌گوید: هیچ نهادی در خصوص حفاظت از قلب تپنده دشت‌های استان کرمانشاه مسئولیتی را نمی‌پذیرفت و تخریب تقریباً صد درصدی پوشش جنگلی و گیاهی آن منطقه لطمه‌ای غیرقابل جبران به حیات جانوری قره سو وارد کرده بود، به طوری که از ده‌ها و شاید صدها گونه جانوری آن و انواع مرغابی، سگ آبی، ماهی، خرچنگ، مار، پرنده و گونه‌های بومی این منطقه که در خطر انقراض قرار داشتند و قره سو آخرین زیستگاه طبیعی‌شان به حساب می‌آمد، چیزی باقی نمانده بود. از این‌رو به همت انجمن حامیان محیط زیست چرو، در سرچشمه «قره سو» یعنی سراب روانسر، یک محیط حفاظت شده طبیعی ایجاد کردیم و خوشبختانه امیدها را برای بقای برخی از این گونه‌ها زنده نگاه داشتیم.

کریمی در پایان با اشاره به اینکه خوشبختانه اعضای انجمن حامیان طبیعت چرو که همگی کمتر از ۳۰ سال سن دارند، توانستند به احساسات‌شان جهت بدهند، گفت: قرار است طی روزهای آینده و با جذب و کمک کسانی که علاقه‌مند به محیط زیست هستند، سایر ماهی‌هایی را که در حال حاضر در بخش‌های عمیق‌تر حوضچه‌ها شنا می‌کنند به سراب جاورى و روانسر منتقل کنیم تا طی یک اقدام انسانی و اثر بخش، نزدیک به ۵۰ هزار قطعه بچه ماهی نجات یابند.

نجات گونه‌های مختلف جانوری و گیاهی در معرض خطر انقراض، مدت هاست که به دغدغه و مشغله ذهنی دوستداران طبیعت تبدیل شده است. انجمن حامیان طبیعت چرو در شهرستان روانسر که به عنوان انجمن نمونه کشور در بخش منابع طبیعی انتخاب شده، متشکل از دغدغه‌مندی‌هایی است که اقدام‌های مهم و اثر بخشی در طبیعت انجام داده‌اند. آنها این بار بیش از ۵ هزار قطعه بچه ماهی را به منطقه‌ای پرآب انتقال دادند تا مانع مرگ و میرشان شوند. محمد کریمی - سرپرست انجمن زیست محیطی حامیان طبیعت چرو- در این باره می‌گوید: رود فصلی «وشکه رو» که در زبان فارسی خشک‌رود ترجمه می‌شود و از آبادی‌های کلاوه سرچشمه می‌گیرد و در مسیر جاده کامیاران به روانسر در جریان است، اواسط مرداد ماه بود که خشک شد و به این ترتیب بیش از ۵۰ هزار قطعه ماهی در حوضچه‌هایی از گل ولای گرفتار شدند و در معرض خطر مرگ و میر قرار گرفتند. این در حالی است که سراب جاورى و روانسر در نزدیکی این رود قرار دارد، اما از آنجا که به یکدیگر وصل نمی‌شوند، ماهی‌ها راهی برای فرار از خشکی نداشتند تا خود را به آن آب برسانند و چیزی نمانده بود که ماهی‌ها به طور کامل تلف شوند. کریمی با اشاره به اینکه اعضای انجمن حامیان طبیعت چرو ۵ هزار قطعه از این ماهی‌ها را نجات دادند، گفت: از آنجا که اعضای انجمن حامیان طبیعت، مدام به نقاط مختلف منطقه سرکشی می‌کنند، متوجه این موضوع شدند.

صبح روز سه‌شنبه گروهی شش نفره از اعضای اصلی انجمن برای نجات ماهی‌هایی که به حوضچه‌های کوچک و کم عمق پناه آورده بودند، دست به کار شدیم و ۵ هزار قطعه بچه ماهی سفید و رنگین‌کمانی را با استفاده از سطل‌های بزرگ و پر از آب، از «وشکه رو» جدا کردیم و به سراب «جاورى» و «روانسر» انتقال دادیم. اعضای این انجمن که به دغدغه حراست و حفاظت از محیط زیست فعالیت‌های متعددی انجام می‌دهند، تاکنون به دفعات، بسیاری از گونه‌های گیاهی منطقه را از خطر آتش‌سوزی نجات داده‌اند ضمن اینکه با هدف ساخت دو پارک پرندگان آبی (محیط امن قره سو) با هدف حمایت از محیط زیست، جذب توریست و توسعه صنعت گردشگری، توسعه اقتصادی، آخرین نفس‌های میراث کهن و حیات جانوری «قره سو» ی مظلوم حفظ شده است. سرپرست انجمن حامیان طبیعت چرو سیمیا متأسف است که «سرچشمه و آب رودخانه «قره سو» از چندین و چند سال قبل به لحاظ آلودگی‌های فیزیکی و شیمیایی و برداشت سودجویانه

زندگی باردیگریکی از بازی‌های خود را نشان داد

## دو خواهر و یک برادر پس از ۳۷ سال به هم رسیدند

رقیه بهشتی

۳۷ سال پیش سه فرزند یک خانواده در سه مکان مختلف یک شهر کوچک در ایالت بریتیش کلمبیا سر راه گذاشته شدند. ۱۷ سال بعد از این ماجرا یکی از این سه نفر دست به کار شد تا نشانه‌ای از خانواده واقعی‌اش به دست بیاورد که همین پی‌جویی موجب شد در نهایت با واقعیتی باورنکردنی روبه‌رو شود. جانت کیل ۳۸ ساله که در سال ۱۹۷۷ وزمانی که تنها یک سال داشت جلوی بیمارستانی گذاشته شده بود، از ۲۰ سال پیش تلاش کرد تا خانواده واقعی‌اش را پیدا کند. او می‌گوید: «من از روش‌های قدیمی برای یافتن آنها استفاده کردم. در روزنامه آگهی دادم و به رادیو پیام دادم. واقعاً دوست داشتم خانواده‌ام را پیدا کنم و از آنها به خاطر به دنیا آوردنم و دادن نعمت حیات تشکر کنم.»

او در نهایت توانست خواهرش کیتی را که در سال ۱۹۷۶ و برادرش کوین را که در سال ۱۹۷۹ سر راه گذاشته شده بودند، پیدا کند. آنها واقعاً شبیه هم بودند. چشم‌های آبی و لبخندی مشابه. با انجام آزمایش دی‌ان‌ای مشخص شد که ریشه آنها به مردمان اسکندینیای برمی‌گردد. در ادامه و با آزمایش‌های خاص ژنتیکی مشخص شد که آنها از طرف مادر با هم یکی هستند اما پدرهای متفاوتی دارند. جانت می‌گوید، مردی که از کنار پارکینگ بیمارستان عبور می‌کرده او را دیده و به یتیم‌خانه سپرده است. پنج ماهه را در آنجا سپری کرده و بعد توسط خانواده‌ای دوست‌داشتنی به فرزندی پذیرفته شده است. خواهر او کیتی هم، چند ماه قبل از او، قنداق بیج جلوی خانه‌ای رها شده بود. صاحب خانه با شنیدن صدای کوبیده شدن ضربه‌ای به در به جلوی خانه می‌رود و با نوزادی جلوی در و زنی در حال فرار روبه‌رو می‌شود. مرد دیده بود که زن یک تاکسی گرفته و از آنجا دور شده است. زن صاحبخانه با پیگیری متوجه می‌شود که آن روز زنی پریشان سوار تاکسی شده و در اسکله برای سوار شدن به کشتی پیاده شده است. خانواده دوست‌داشتنی او را هم به فرزندی قبول کرده و در ۱۹ سالگی داستان واقعی زندگی‌اش را به او گفته بودند. در این سن او هم دوست داشته با خانواده واقعی‌اش روبه‌رو شود. او در سال ۲۰۰۳ با روزنامه‌ای محلی

« کیتی: زندگی‌گاه بازی‌های عجیب و غریبی دارد که فکرش را هم نمی‌توانی بکنی! هیچ کلمه‌ای برای بیان احساسات من وجود ندارد. آنقدر شغف دارم که غیرقابل بیان است. خوشحالم که خانواده‌ام بزرگتر شده. خوشحالم که خواهر و برادر دارم. خوشحالم که همسایم

در این باره گفت‌وگو کرده بود و امید داشت با این روش سرخ‌خا خانواده‌اش پیدا کند. اما با اشتباه خبرنگار که اسم او را به غلط نوشته بوده، جست‌وجویش کوین، فرزند دیگر را هم جلوی یک مجتمع آپارتمانی رها کرده بودند. یک دست‌نوشته هم کنارش قرار داشت که نوشته بود اوسه روز پیش به دنیا آمده است. او چند ماه اول زندگی‌اش را در بیمارستان گذرانده و بعد سرپرستی او به یک سازمان خیریه واگذار شده است. خانواده دوست‌داشتنی دیگری هم او را به فرزندی قبول کرده بودند. یکی از دوستانش صاحب‌خانه جانت را در رادیو شنیده و به کوین خبر داده بود. در ابتدا جانت و کوین مطمئن نبودند با هم نسبتی داشته باشند، اما آزمایش‌های ژنتیک نشان داد که آنها خواهر و برادر هستند و هر دو از یک مادر متولد شده‌اند. این خبر در ماه ژوئن منتشر شد. یکی از دوستان کیتی با شنیدن این خبر به او اطلاع داد و گفت شاید تو با این دو نفر نسبت خونی داشته باشی. کیتی هم به سراغ آنها رفت و پس از آزمایش‌های ژنتیک فهمید که خواهر



آنهاست. واقعاً شگفت‌انگیز بود.

حالا آنها دنبال دختر دیگری می‌گردند که نامش در سال ۱۹۷۴ به عنوان گمشده در این شهر ثبت شده است. آنها امیدوارند یک خواهر دیگر هم داشته باشند. کیتی می‌گوید: «زندگی‌گاه بازی‌های عجیب و غریبی دارد که فکرش را هم نمی‌توانی بکنی! هیچ کلمه‌ای برای بیان احساسات من وجود ندارد. آنقدر شغف دارم که غیر قابل بیان است. خوشحالم که خانواده‌ام بزرگتر شده. خوشحالم که خواهر و برادر دارم. خوشحالم که همسایم کیتی می‌بخشم.» آنها همچنان با امیدواری به مسیر یافتن مادر و شاید خواهرشان ادامه می‌دهند.

http://www.dailymail.co.uk/news/article-3749995/Three-siblings-abandoned-newborns-mother-town-reunited-37-years-later-looking-fourth-sibling.html

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۲۳۴۵

آسان

متوسط

سخت